

دو فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷: ۲۰۵-۲۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۴

جلوه‌های ادبی و هنری در چند حدیث

محمد رضا بمانیان *

چکیده

حدیث به عنوان یک اصل در شناخت اسلام و کسب معرفت، محل رجوع است. مقاله حاضر به بررسی شیوه‌های ادبی و هنری به کار رفته در حدیث پرداخته است. استفاده از زبان ادبی و هنری از جمله ویژگی‌های خاص در شکل‌گیری ساختار حدیث است. ابعاد گوناگونی در جلوه‌های ادبی و هنری حدیث مطرح هستند که در این میان می‌توان به وجود موسیقی، تصویر و ساختار به عنوان ابزار و عناصر کار در حدیث اشاره نمود. وجود این عناصر در حدیث، شکل‌گیری جنبه‌های ادبی و هنری در حدیث را سبب شده که می‌توان به وجود هماهنگی و هم‌جهتی، تجانس، انسجام و به هم پیوستگی، توازن، وجود تقارن هندسی و نظام آوایی در حدیث اشاره نمود که این موارد ساختار و موسیقی کل حدیث را شکل داده‌اند. یکی دیگر از عناصر اصلی تشکیل دهنده ابزارهای ادبی و هنری حدیث، استفاده از تصویر به منظور عمق بخشیدن به مفاهیم مطرح شده در متن حدیث است. در مقاله حاضر در بخش ادبیات نظری به ابزار و عناصر مذکور پرداخته شده است و در ادامه چند نمونه حدیث بررسی شده است.

واژگان کلیدی: حدیث، ساختار، موسیقی، تصویر.

مقدمه

برای کسب معرفت و شناخت اسلام راهی جز رجوع به قرآن کریم و سیره و حدیث پیامبر اکرم (ص) نیست. در آیه هفتم سوره آل عمران خداوند فرموده است: هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم ...

اوست خدایی که قرآن را بر تو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است که اصل و مرجع سایر آیات کتاب خدا است و برخی دیگر متشابه است، و آنان که در دلشان میل به باطل است از پی متشابه رفته تا به تأویل کردن آن در دین راه شبهه و فتنه گری پدید آرند ...

قرآن بدون مفسر و مبین و راهنمای واقعی، با تأویلات گوناگون و آراء مختلف و متفاوت بیان می‌شود و این امر غیر از زیان چیزی برای انسان به همراه نخواهد آورد^(۱). در آیه شصت و چهارم سوره نحل خداوند روشن نمودن اختلافات را به پیامبر اکرم (ص) واگذار می‌نماید:

و ما انزلنا علیک الکتاب الا لتبیین لهم الذی اختلفوا فیه و هدی و رحمه لقوم یؤمنون.

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی، و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند. همچنین در آیه یکصد و شصت و چهارم سوره آل عمران از این نعمت بزرگ یاد می‌کند.

لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین.

خداوند بر مؤمنان منت نهاد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ و البته پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

از همین جهت «پیامبر اکرم (ص)، خاندانش را برای بیان حقایق قرآن پیوسته به مردم معرفی می‌کرد و چنگ زدن به دامانشان را همواره تذکر می‌داد، و آنان را به

کشتی نوح تشبیه می‌نمود و می‌فرمود: خاندان من (در طوفان‌های حوادث زمان) همچون کشتی نوح هستند که هر کس بر آن جای گرفت نجات یافت و هر آنکه از رسیدن به آن بازماند به هلاکت افتاد» (سیوطی، ۱۳۷۶: ۱۲).

پس از قرآن کریم، دومین مرجع شناخت اسلام، سنت رسول اکرم (ص) و احادیث^(۳) معصومین^(۴) است. خداوند به وسیله پیشوایان هدایت که خاندان پیغمبر اکرم (ص) هستند دینش را آشکار نمود و راههای راست را روشن ساخت و حقیقت چشمه‌های دانش خویش را بر گشود، آنها را از طریق معرفتش و نشانه‌های دینش و دربانان بین خود و خلقتش و باب شناسایی حقش قرار داد و محرم اسرار نهفته خویش ساخت (کلینی، بی تا: ۳).

از آن جهت که امامان معصوم^(۴) جانشینان قطعی رسول اکرم (ص) بوده و از دو موهبت علم الهی و عصمت برخوردار هستند، اقوال و افعال آنان همانند قول و فعل رسول اکرم (ص) حجت شرعی دارد. امامان معصوم^(۴) گوهرهایی پاک و بسی فراتر و والاتر از آدمیان خاک‌نشین‌اند، آنان با هستی آفرین ارتباط دارند و منشأ علم آنان، مستقیم یا با واسطه، وحی الهی است و سخنان آنان، از حقیقت هستی سرچشمه می‌گیرد. ارتباط با منشأ هستی، ثبوت اندیشه‌ها و باورهای آنان را شکل داده و نتیجه این امر منطبق بودن آنچه معصوم فرموده و باور و ابراز داشته با حقیقت هستی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۱). ادیبان و هنرمندان اصلی که پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین^(۴) هستند، در بیان احادیث از کمال ادب و هنرمندی بهره گرفته و کلمات خود را در بیاناتی با استفاده از زبان ادبی و هنری، جلوه خاص بخشیده‌اند.

چند وجهی بودن آیات و معانی قرآن کریم امتیاز ویژه‌ای برای مرجع بودن و صلاحیت داشتن حدیث در ورود بر بحث‌های مورد اختلاف به شمار می‌آید تا آنجا که حدیث پی ریزی کننده معنای آیه و یا تعیین کننده مفهوم آن از بین سایر معانی احتمالی است (الموسوی، ۱۳۸۵: ۸۶). با رجوع به قرآن کریم مشخص می‌شود که در قرآن آیات متشابهی است که تأویل آن را جز خدا کسی نمی‌داند و راه تأویل آن را خداوند در آیه چهل و چهارم سوره نحل خطاب به پیامبر اکرم (ص) بیان نموده است.

«... و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون».

... و بر تو این ذکر (یعنی قرآن) را نازل کردیم تا برای مردم آنچه به آنان فرستاده

شده بیان کنی و برای آنکه عقل و فکرت کار بندند.

بدین صورت خداوند پیامبر اکرم(ص) را مکلف به تبیین مسائل قرآن نموده و پیامبر نیز با بیان حدیث ثقلین^(۳) حجیت سنت و سیره عترت خود را تأیید کرده و این گونه فرموده اند:

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.

من در میان شما دو شیء سنگین و گران ترک می‌گویم که هر گاه به هر دوی آنها تمسک جویند هیچ گاه پس از من گمراه نخواهید شد، یکی بزرگ‌تر از دیگری است: کتاب خداوند، ریسمانی که از آسمان به زمین امتداد یافته و عترت من (خاندانم) را، و هر گز از هم جدا نشوند تا بر کنار حوض (کوثر) به من باز گردند.

طبق روایت^(۴)، امام صادق^(ع) برای شناخت اهمیت و فهم احادیث چنین فرموده اند: «حدیث تدریه خیر من الف ترویه. و لا یكون الرجل منکم فقیها حتی یعرف معاریض کلامنا، و ان الکلمه من کلماتنا لتنصرف علی سبعین وجهها، لنا من جمیعها المخرج» (الصدوق، ۱۳۶۱: ۲).

یک حدیث را خوب بفهمی، بهتر از آن است که هزار حدیث نقل کنی و هیچ یک از شما بینای در دین نمی‌شود، مگر آن که تعریض‌های^(۵) کلام ما را بشناسد. سخن از سخنان ما گاه تا هفتاد تفسیر دارد که برای همه آنها پاسخ داریم.

در مقاله حاضر به موضوع درآمدی به زبان ادبی و هنری حدیث پرداخته شده است. بدین منظور در ابتدا به بیان ابعاد جنبه‌های ادبی و هنری حدیث پرداخته شده است. سپس به عنوان نمونه، چند حدیث بررسی شده است.

زبان ادبی و هنری حدیث

حدیث وسیله افزایش شناخت و باور انسان و دستیابی به یک نظام فکری صحیح در بهره‌گیری از دین است. از طرفی نیز فهم و شناخت احادیث از جنبه‌های متفاوت بسیار اهمیت دارد. یکی از ابعاد گوناگونی که در احادیث مطرح است، احادیثی است که زبان ادبی و هنری آن بر تعبیر و بیان غیر مستقیم استوار است و این امر زبان هنر است. بدین شکل آن دسته از احادیثی که حقایق در آنها بر بیان غیر مستقیم شکل گرفته‌اند،

دارای زبان ادبی و هنری هستند. این گونه احادیث با به کارگیری موسیقی، تصویر و ساختار به عنوان ابزار کار هنری شکل گرفته اند. بدین منظور به بیان هر یک از ابزار و عناصر مذکور می پردازیم.

۱. موسیقی

موسیقی، «زبان ناب آواها و آهنگ‌هاست. زبان، با عروج به ساحت موسیقی و در ساحت موسیقی سخن نمی گوید؛ بلکه سخن را می سراید» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۶۱). موسیقی «مجموعه عواملی است که به اعتبار آهنگ و توازن سبب رستاخیز کلمه ها و تشخیص واژه‌ها در زبان می‌شوند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۸). مراد از موسیقی اصواتی است که در نوع خاصی از بیان هنری شکل می‌گیرد به گونه‌ای که بتواند محرک لازم را در مخاطب ایجاد کرده، احساس لذت و احساس زیبایی را برای او به همراه داشته باشد (بستانی، ۱۳۷۱: ۴۲). موسیقی «وسیله آماده ساختن فضایی لازم و آفریدن استعدادی روحی در شنونده یا مخاطب است تا اهتزازات و احساسات و انفعالات را بپذیرد. آهنگی است که ذوق عمومی آن را خوشایند و گوارا می‌یابد و با آن احساس زیبایی پیدا می‌کند» (رجایی، ۱۳۷۸: ۲۰۷ و ۲۰۸). اگر موسیقی نباشد یا چیزی از الفاظ درک نمی‌شود، یا اگر هم بشود یک رشته معنای ذهنی خشک و خالی از مزیت خواهد بود که چندان اثری در افکار و وجدان نخواهد داشت (قطب، ۱۳۵۹: ۷). هرچند الفاظ هم به تنهایی دارای مزیت‌های فراوان هستند، لیکن الفاظ به تنهایی بدون موسیقی نمی‌توانند مفهوم اساسی را بیان نموده و اجماع این دو امر جذابیت کار هنری را نمایشگر است. در «ساختار هنری، موسیقی کلمات موجب تقویت معنی می‌گردد، معانی متضاد و دور از هم را به یکدیگر نزدیک ساخته وحدت می‌بخشد، گاهی با ایجاد ابزار ابلاغی تازه و معنای نو می‌آفریند» (شفیعی کدکنی و گلچین، ۱۳۸۱: ۲۹).

موسیقی، حاصل نوعی نظم در همنشینی آواها و واژه‌های زبان است که علاوه بر آهنگین کردن کلام، خود نوعی زبان القای مفاهیم است. در موسیقی سه عنصر آوا داشتن، تجانس و توازن مورد توجه است. منظور از آوا داشتن، ماهیت حروف تشکیل‌دهنده کلمه است که در مجموع کلمات، وضعیت ویژه ای را به خود می‌گیرند و تجانس، «عبارت از شباهت و همانند یافتن است که همان شباهت و همسانی کلمات با یکدیگر است و توازن عبارت از برابر و هم وزن و هم سنگ بودن است» (سیاح، ۳۷۵:

۳۱۸)، که همان تکرار و پی در پی قرار گرفتن کلمات است. وزن، «تناسب حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزای متعدد است که در زمان واقع می‌شود» (خانلری، ۱۳۷۳: ۲۴) و «وزن هر تناسب و آهنگی را که ناشی از شیوه ترکیب کلمات، انتخاب قافیه‌ها و ردیف‌ها، هم‌آهنگی و همسانی صامت‌ها و مصوت‌ها و جز آن باشد در بر می‌گیرد» (فیاض منش، به نقل از دستغیب، ۱۳۸۶: ۱۶۷). توازن یک فرآیند ادبی است که از طریق تکرار کلامی حاصل می‌آید. منظور از توازن، تکرار نظام‌مند و هدفدار عناصر زبانی در یک متن است که از واحدهای ساختاری بواسطه واقع شدن در یک رابطه تکرار همخوان یا همساز برجستگی خاصی را در پیام القاء می‌کند. توازن «به ایجاد جذب و کشش در پیام و شوق و واکنش در خواننده منجر می‌شود. به بیانی دیگر، توازن یعنی ایجاد روح هماهنگ در پیام بواسطه تحریک پیش فرض‌ها و انتظارات مخاطبان یک جامعه معین زبانی که عمدتاً به دلیل وحدت خاستگاه اجتماعی، فرهنگی، قومی و زبانی از مشابهت بالایی به لحاظ عملکردهای ذهنی و استدلالی برخوردارند. توازن با توسل به همین مشابهت‌ها مخاطب را نه فقط با پیام متن همگام به پیش می‌راند، بلکه آنچه هنوز به واژه درنیامده به ذهن متبادر می‌کند» (بهنام، ۱۳۸۱: ۶۶).

از طرفی «در تحقیقات ادبی سطح آوایی زبان را نمی‌توان از سطح معنایی آن جدا کرد» (ولک، ۱۳۸۲: ۱۹۷). لذا علاوه بر سه رکن فوق، رکن چهارمی نیز برای موسیقی وجود دارد که در اصطلاح هنر به آن موسیقی داخلی گفته می‌شود و مقصود از آن، همسانی و هماهنگی اصوات با مفهوم عبارت است (بستانی، ۱۳۷۱: ۴۳).

۲. تصویر

تصویر به معنای «هر نوع کاربرد زبانی است که از هنجار عادی فراتر رود و اعتلا و درخششی یابد و در ذهن خواننده حرکتی ایجاد کند یا عاطفه‌ای را برانگیزد یا حیرت زده‌اش نماید، به هر حال اوج بگیرد و گرداگردش هاله‌ای خیال‌انگیز ایجاد شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۷). تصویر یکی از ابزارهای هنری است که با تخیل شکل می‌گیرد و در حقیقت یک رابطه نو و تازه میان اشیاء ایجاد می‌کند. عنصر تخیل ساختار خاصی از عبارات و ترکیب آنها با همدیگر را می‌طلبد و ترکیب تخیلی در اصطلاح تصویر نامیده می‌شود. این عنصر مشخصه زبان هنر و جداکننده آن از زبان علمی یا تعبیر عادی است (بستانی، ۱۳۷۱: ۳۲). «بهترین و شایسته‌ترین وسایل بیان، تصویری آوردن

اوصاف است» (آقاحسینی، به نقل از بدوی، ۱۳۸۶: ۵۱). از عنصر تصویر به عنوان وسیله‌ای برای عمق بخشیدن به مفاهیم مورد نظر بهره گرفته می‌شود که در آن از ایجاد رابطه‌ای جدید میان مفاهیم به صورت تصویر غیر مستقیم ارائه شده و یا از تصویر مستقیم و بدون گرفتن واسطه از واقعیت سخن گفته بدین شکل که صورت واقعی بیان شده ارائه می‌شود.

این فرآیند و ترکیب تخیلی مذکور در علم بلاغت به عنوان علم بیان مطرح است. بدین شکل که به متکلم بلیغ امکان می‌دهد تا با استفاده از به کار بردن الفاظ در معانی مجازی، منظور خود را در ساخت‌های گوناگون و عبارات مختلف و متعدد ادا کند و موجب حیات و طراوت زبان و لطایف ادبی آنهاست و کنایات، اشارات، تشبیهات و استعارات زبان، مرهون قواعد و ویژگی‌های این فن ظریف است (نصیریان، ۱۳۷۸: ۱۲۵). علاوه بر آن فن بیان طریق ملموس و سهل الوصول بودن مفهوم را برای مخاطب بیان نموده تا مقصود که در قالب کنایه، تشبیه و یا استعاره به کار رفته است برای مخاطب جذاب باشد و کلام به گونه‌ای با طراوت دل‌ها را ربوده و برای تسخیر روح و جان خواننده و دلنشین ساختن کلمات تأثیر مخصوص خود را بگذارد. مهم‌ترین مسئله در نقش تصویر، تحقق بخشیدن عنصر محرک بخشی است که این امر، منبع عظیمی از هنر را در دل خود جای داده است.

۳. ساختار

ساختار، «حاصل کلیه روابط عناصر تشکیل دهنده اثر با یکدیگر است؛ ارتباط ذاتی میان همه عناصر اثر ادبی و هنری که تمامیت و کلیت آن اثر را در برمی‌گیرند و به اثر انسجام و یکپارچگی می‌دهند» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۸۶). انسجام «یکی از مشخصه‌های متن است که روابط دستوری و یا واژگانی بین عناصر متن ایجاد می‌کند و پیوستگی معانی و مفاهیم متن را ممکن می‌سازند» (بهنام، ۱۳۸۱: ۶۱). هر یک از ابعاد ادبی حدیث هنگامی می‌توانند اهمیت یابند که در یک ساختار واحدی بیان شوند و دارای هماهنگی، همسویی و در پیوند و تأثیر متقابل با یکدیگر قرار گیرند. این همسویی و هماهنگی از نقطه معینی آغاز و به نقطه مشخص دیگری پایان پذیرد و در تمام اجزاء و عناصر مشهود باشد، به گونه‌ای که ساخت و زیبایی اعجاب برانگیزی را بیان نماید. هر چند بعضاً از موضوعات متنوعی نیز بهره برده شود، لیکن این موضوعات متنوع اگر بر

یک محور واحدی شکل گیرند و بر پیرامون آن به یکدیگر تلاقی و تقابل بنمایند، محرک و انگیزش لازم و کافی را در مخاطب ایجاد نمایند. در ساختار کلی که مواد و عناصر و روش‌های بیانی مختلفی را در خود جای داده، آن هم روش‌های بیانی که اصول حاکم بر پاسخ بشر در مقابل محرک‌ها را مورد توجه کامل قرار داده است. بدیهی است که این اثر چیزی است که در صورت پراکندگی اجزاء و یا مستقل بودن آنها از یکدیگر به دست نمی‌آید، بلکه تحقق این هدف تنها در همسویی، پیوند و ارتباط متقابل اجزاء نهفته است (بستانی، ۱۳۷۱: ۴۸).

بررسی نمونه‌ها

احادیث بررسی شده در این بخش از نهج البلاغه و اصول کافی که از گنجینه‌های ارزشمند کتاب‌های حدیثی است، انتخاب شده‌اند. هر گاه سخن از آثار معتبر حدیثی شیعه است کتاب‌های مذکور چون نگینی از شاهکارهای فصاحت و بلاغت می‌درخشند. نهج البلاغه که گردآوری شده گوشه‌ای از کلام امام علی(ع) عصاره خلقت و جهان هستی است و اصول کافی که از قدیم‌ترین و معتبرترین کتب حدیث در منابع اسلامی و یکی از برجسته‌ترین آثار معنوی اسلامی محسوب می‌شود و عالی‌ترین و محکم‌ترین ذخایر احادیث شیعه از نظر سند و متن است. کتب مذکور علاوه بر حسن ادبی، بلاغت و کمال فصاحت بر عالی‌ترین مضامین و عبارات و علوم الهی مشتمل است. از نمونه‌های مورد بررسی که از کلمات قصار انتخاب شده‌اند، دو حدیث از کلام امام صادق(ع) و در باب انصاف و عدالت است که از کتاب کفر و ایمان اصول کافی برگزیده شده است. سه حدیث دیگر نیز از حکمت‌های نهج البلاغه در زمینه راه شناخت عاقل و احمق و ثروتمندی و فقر انتخاب شده است. در بررسی بعضی از نمونه‌ها توضیحات جامع‌تر عرضه شده است و در بعض دیگر برای جلوگیری از تکرار مطلب، به ویژگی‌های خاص نمونه اشاره شده است. ضمناً در انتخاب احادیث سعی شده هر حدیث دارای برجستگی خاص از نظر بیان موسیقی، نشان دادن تصویر و ساختار باشند.

نمونه شماره یک

قال الامام الصادق(ع): العدل احلی من الشهد، و الین من الزبد، و اطیب ریحاً من

المسک (کلینی، بی تا : ۲۱۷).

امام صادق(ع) فرمود: عدالت شیرین تر از عسل و نرم‌تر از کره و خوشبوتر از مشک است. موسیقی موجود بر ساختار حدیث که بر اساس نظم و هماهنگی خاص وجود دارد قابل توجه است. ماهیت حروف تشکیل دهنده، کلمات به کار رفته در حدیث و وضعیت ویژه‌ای که کلمات به خود گرفته و موقعیت خاص خود را در سه بند از حدیث حفظ نموده‌اند. در کل حدیث از مجموعه آواهای نظم یافته‌ای در قالب یک قافیه شکل گرفته است و یک نظام آوایی را تشکیل داده است. وجود عبارات و همسانی صوتی کلمات در تمام متن وجود دارد و بدین شکل حدیث تجانس لازم را دارد. علاوه بر تجانس، قرارگیری کلمه اتصالی (من) در یک نظام مکرر و پی در پی در حدیث، توازن لازم در حدیث را شکل داده است. ضمن اینکه موسیقی داخلی نیز با تکرار مصوت‌ها و صامت‌ها و با هماهنگی حروف نیز به کار گرفته شده است. در همین حدیث کوتاه تکرار حرفی چون (د، ی، ل و الف) بیانگر این موضوع است.

علاوه بر جنبه زیبایی که در حدیث نهفته است، تلاوت کننده این حدیث ضمن اینکه از موسیقی موجود در حدیث حظ وافر می‌برد، حتی بدون آنکه به اسرار ادبی و هنری این تأثیر آگاه باشد با پیوند، همسویی و ارتباط متقابل که بین اجزاء و بندهای حدیث موجود است اثر خاص حدیث بر وی آشکار می‌شود و این ایجاد ارتباط موسیقی با تلاوت نیز از عناصر ویژه شیوه‌های ادبی و هنری حدیث است.

موسیقی حدیث احساس بشری را در تأثیر خود می‌گیرد و ادراک شایسته‌ای نصیب تلاوت کننده می‌نماید. حدیث مذکور نقش یک سمفونی هارمونیک را ایفاء کرده که با تلاوت آن جزئیات در دقایق آن در جای جای این سمفونی قرار گرفته و دل خواننده را با روح نوازی خود می‌رباید. از طرفی نیز تأثیر موسیقی موجود در حدیث و بالطبع آن ایجاد زمینه امر تدبّر در حدیث، آسانی حفظ و القای مفهوم حدیث را نباید نادیده گرفت.

در تصویرسازی حدیث برای بیان عدالت از فرآیندهایی (عدالت و عسل و کره و مشک)، (عسل و شیرینی)، (کره و نرمی) و (مشک و خوشبویی) استفاده شده است. هدف از این بیان غیر مستقیم، ایجاد تصویری است که مخاطب و شنونده را به تأمل و انگیزش بیشتری وادارد. بیان پدیده‌های عسل، کره و مشک در کنار عدالت، عرضه یک

پدیده حسی آشنا است که برای بیان عدالت و عمق بخشیدن به مفاهیم آن که در پی آن اهمیت موضوع است؛ بهره گیری شده است. در حدیث مذکور رمزهای مختلف که پی در پی طرح گردیده، باعث عمق بخشیدن به این مفاهیم و تأثیربخشی و خلق تصاویر هنری دارای انگیزش شده است. این جنبه‌های انتزاعی به کار گرفته شده در تصاویر که به صورتی قوی مطرح شده‌اند همچون یقینی است که سعی نموده تا هر چیز را در حد وسیع‌تر و پر رنگ‌تر مشابه و به صورت طبیعی و حسی برای مخاطب مطرح نموده و بدین صورت تشبیهاتی بدیع و شگفت انگیز را شکل دهند.

در حدیث فوق تمامی قسمت‌ها که اجزاء حدیث را تشکیل داده‌اند با یکدیگر هماهنگ و هم جهت هستند. همه از نقطه مشخصی شروع شده و به نقطه خاصی اتمام یافته است. دارای یک سرآغاز، یک متن و یک پایانی هستند، به گونه‌ای که این هماهنگی ساخت و زیبایی، بنای هندسی اعجاب برانگیزی را در کل حدیث شکل داده است.

فاصله‌های یک نواخت قسمت‌های حدیث که تابع نظم و انسجام حروف است حدیث را از موسیقی داخلی برخوردار کرده است و بر این اساس یک ساختار مخصوص در حدیث شکل گرفته است. یگانگی و یکنواختی به کار رفته که با هم متحد است هم‌آوایی روان و آسان و پیوسته را به وجود آورده که دارای روانی، آسانی و شیرینی بیان است. در حدیث مذکور فاصله‌های یکسان در وزن و قافیه، روی نظام مخصوص بیان شده است که این امر یک نوع ساختار ویژه را برای حدیث تشکیل داده که همه فاصله‌ها و وزن‌ها با هم متحد و هماهنگ هستند. وجود اشتراک موسیقی در دو کلمه بکارگرفته شده خوردنی (شهد و زبد) زیبایی بار معنایی را در این ترکیبات به کارگرفته برای کلمه عدل افزون‌تر نموده است. تنوع در موسیقی کلمه دیگر (مسک) که بوییدنی است و به کارگیری آن در انتهای کلام، لطافت موسیقایی دو چندان را سبب شده است.

از جنبه ساختاری حدیث نیز به رغم اینکه در متن حدیث موضوعات متنوعی هم چون عسل، کره و مشک مطرح شده است، لیکن همه این موضوعات بر محور و پیرامون موضوع اصلی (عدالت) دورزده‌اند. در حقیقت ضمن اینکه همه اجزاء تابع محور واحدی هستند، موضوعات آن نیز بر اساس هم‌سویی طرح شده‌اند. شیوه ترکیب‌سازی به وجودآمده در حدیث از نظر قدرت، قوت و فشردگی و تأکید که صورت گرفته است در

خور توجه است که به زبان ساده و روان مطرح شده است. بدین شکل عنصر انسجام اجزاء حدیث به گونه‌ای قابل توجه بیان شده است و حدیث یک به هم پیوستگی لازم در ساختار دارد.

در فرآیند متن حدیث وجود موضوعات متنوع و پیوند میان آنها در پیرامون عدالت، ساختار فکری منسجمی هویدا است که بنا و نظام هندسی را در حدیث سبب شده و کل حدیث بر این امر پایه‌ریزی شده است. ضمن اینکه در نهایت تقارن هندسی عبارات و تساوی موجود که در بندها وجود دارد؛ حدیث را به یک موسیقی هماهنگ رهنمون ساخته است. این امر مخاطب را به نحو خیره کننده‌ای متوجه زیبایی موسیقی و نهایتاً ساختار موجود در حدیث می‌سازد. این توازن و توالی جملات به کارگرفته در حدیث از ویژگی‌های خاص حدیث محسوب شده است.

نمونه شماره دو

قال الامام الصادق^(ع): العدل احلی من الماء یصیبه الظمان ، ما اوسع العدل اذا عدل فیه و ان قل (کلینی، بی تا: ۲۱۶).

امام صادق^(ع) فرمود: عدالت شیرین تر از آبی است که به لب تشنه رسید، عدالت چه گشایشی دارد زمانی که در امری عدالت شود، اگر چه کم باشد.

حدیث از دو بند تشکیل شده است. در بند اول تشبیه عدالت طرح شده است و در بند دوم از کاربرد آن صحبت شده است. هر دو بند در ارتباط با هم و بر محور موضوع اصلی (عدالت) شکل گرفته است و عناصر تشکیل‌دهنده انسجام لازم را دارند و ساختار شکل گرفته در حدیث دارای یگانگی و یکنواختی است.

تصویرسازی حدیث نیز با بیان (عدالت و آب) ایجاد شده است. برای عمق بخشیدن به مفاهیم نیز عدالت شیرین تر از آب تعریف شده است و برای اهمیت و نیاز به موضوع، آب برای لب تشنه مطرح شده است که بدین شکل تشبیهات بدیع و اثربخشی عرضه شده است.

در حدیث فوق نیز تمام قسمت‌ها با یکدیگر هماهنگ و هم جهت هستند و دارای شروع، متن و پایانی است که شروع آن با تشبیه شیرین تر بودن عدالت از آب است که به لب تشنه رسد و در متن به گشایش عدالت در کارها اشاره شده، هر چند میزان آن کم باشد.

نمونه شماره سه

قال الامام علی^(ع): لسان العاقل وراء قلبه، و قلب الاحمق وراء لسانه (علی ابن ابیطالب^(ع)، ۱۳۷۹: ۶۳۲).

امام علی^(ع) فرمود: زبان عاقل در پشت قلب اوست، و قلب احمق در پشت زبانش قرار دارد.

حدیث مذکور که در قالب حکمت چهلیم در نهج البلاغه گردآوری شده است، از دو بند تشکیل شده است. هر دو بند از دو عنصر متجانس (زبان) و (قلب)، دو کلمه متضاد (عاقل) و (احمق) و حرف اضافه مکانی (وراء) تشکیل شده است. عناصر متجانس و حرف اضافه مکانی در هر دو بند تکرار شده‌اند. تکرار و نحوه قرارگیری این کلمات که در آغاز و در پایان حدیث مشهود است، با یکدیگر هماهنگ و هم جهت بوده و این هماهنگی ساخت زیبایی به همراه بنای هندسی برجسته‌ای را در کل حدیث شکل داده است.

موسیقی موجود بر ساختار حدیث که بر اساس نظم و هماهنگی خاص وجود دارد قابل توجه است. ماهیت حروف تشکیل دهنده، کلمات به کار رفته در حدیث و وضعیت ویژه‌ای که کلمات به خود گرفته و موقعیت خاص خود را در حدیث حفظ نموده‌اند، حدیث را در قالب یک قافیه با یک نظام آوایی شکل داده‌اند. وجود عبارات و همسانی صوتی کلمات، حدیث را از تجانس لازم برخوردار نموده است. قرارگیری کلمه اتصالی (وراء) در یک سیستم مکرر در حدیث، توازن لازم در حدیث را شکل داده است.

تکرار مصوت‌ها و صامت‌ها و هماهنگی حروف نیز موسیقی داخلی حدیث را ایجاد نموده است. در حدیث مذکور علاوه بر وجود فاصله‌های یکسان در وزن و قافیه، وجود اشتراک موسیقی در دو کلمه به کار رفته (لسان و قلب) زیبایی بار معنایی را در این ترکیبات به کار گرفته افزون‌تر نموده است. از طرفی نیز تنوع در موسیقی دو کلمه دیگر (عاقل و احمق) لطافت موسیقایی را سبب شده است.

نمونه شماره چهار

قال الامام علی^(ع): الغنی فی الغریه وطن، و الفقر فی الوطن غریه (علی ابن ابیطالب^(ع)، ۱۳۷۹: ۶۳۶).

امام علی^(ع) فرمود: ثروتمندی در غربت، چون در وطن بودن، و تهیدستی در وطن، غربت است.

حدیث مذکور مشابه نمونه قبلی است. لیکن در هر دو بند از عناصر متضاد (وطن) و (غربت)، (غنی) و (فقر) و حرف اضافه مکانی (فی) استفاده شده است. عناصر متضاد و حرف اضافه مکانی در هر دو بند تکرار شده‌اند. تکرار و نحوه قرارگیری این کلمات در آغاز و هم در پایان حدیث با یکدیگر هم آهنگ و هم جهت بوده و این هم آهنگی بنای هندسی برجسته ای را در کل حدیث شکل داده است.

از طرفی نیز تقارن هندسی عبارات و تساوی موجود که در بندها وجود دارد؛ حدیث را به یک موسیقی هم آهنگ رهنمون ساخته است. این امر مخاطب را به نحو خیره کننده‌ای متوجه زیبایی موسیقی و نهایتاً ساختار موجود در حدیث می‌سازد. این توازن و توالی جملات به کار رفته در حدیث از ویژگی‌های خاص حدیث محسوب شده است.

نمونه شماره پنج

قال الامام علی^(ع): المقل غریب فی وطنه، الفقر فی الوطن غریبه، الفقر الموت الاکبر امام علی^(ع) فرمود: فقیر در زادگاهش غریب و بیگانه است. فقر و ناداری در زادگاه، خود نوعی غربت است. فقر مرگی عظیم است.

حدیث مذکور از سه بند تشکیل شده است. عبارات همه متضمن فقر و ناداری است. در حدیث مذکور بیان واحد در قالب‌های متفاوت است. بدین ترتیب هر کدام از عبارات، به رغم تفاوت و تعدد لفظ، مضمون واحدی را تفهیم می‌کنند و در نتیجه مخاطب مطلب را چنانکه باید دریافت می‌کند.

در فرآیند متن حدیث، وجود موضوعات متنوع و پیوند میان آنها پیرامون موضوع واحد (فقر)، ساختار فکری منسجمی را ایجاد نموده که بنا و نظام هندسی را در حدیث سبب شده و کل حدیث بر این امر پایه‌ریزی شده است.

نتیجه گیری

زبان ادبی و هنری حدیث با به کارگیری موسیقی، تصویر و ساختار به عنوان ابزار کار هنری شکل گرفته است. با توجه به مبحث انجام شده می‌توان نکات ذیل را به عنوان نتیجه این بررسی عرضه نمود.

- از زبان ادبی و هنری در احادیث به منظور واضح تر شدن و در نهایت اثر بخشی، تأمل و ایجاد انگیزش استفاده شده است و این امر دلنشین و جذاب نمودن بیان بر روح و دل بهره ور را با خود به همراه دارد.
- وظیفه اصلی کار زبان ادبی و هنری حدیث، ایجاد محرک و انگیزش کافی در روان مخاطب و محور اصلی آن بر توجه به حالت درونی انسان است و جنبه درونی و ماهیتی محور عمومی حدیث را شکل می‌دهد.
- هماهنگی و هم‌جهتی بندها و اجزاء تشکیل دهنده حدیث، ساختار هماهنگی را در کل حدیث با خود به همراه دارد که به دنبال آن زیبایی اعجاب برانگیزی را شکل می‌دهد.
- بهره‌گیری از موضوعات متنوع که همگی پیرامون محور واحدی شکل گرفته‌اند، نمایش انسجام اجزاء و بهم پیوستگی ساختار حدیث را با خود به همراه دارد.
- از تصویرسازی در بیان احادیث، به منظور وسیله ای برای عمق بخشیدن و به وجود آوردن رابطه ای جدید میان مفاهیم بهره گرفته شده است.
- با بهره‌گیری از علم بیان در احادیث، ساخت‌های گوناگون و عبارات مختلف و متعدد شکل گرفته و بیان لطیف ادبی و جذابیت برای مخاطب را با خود به همراه دارد.
- زیبایی موسیقی موجود در احادیث که بر اساس نظم و هماهنگی خاصی شکل گرفته است یک نظام آوایی را در حدیث شکل داده است.
- بهره‌گیری از نظام آوایی، تجانس و توازن و همسانی در اصوات بکارگرفته شده در حدیث، موسیقی ساختار احادیث را سبب شده که با خود احساس لذت و زیبایی را برای مخاطب به همراه دارد.

- همسانی و هم آهنگی اصوات با مفهوم عبارات حدیث، موسیقی داخلی هماهنگی را ایجاد نموده است.

پی نوشت

۱. ... و لا یزید الظالمین الا خسارا (سوره اسراء، آیه ۸۲): و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید.
۲. در کلام جامعی می‌توان گفت: کلامی را که حکایت از قول معصوم یا فعل و یا تقریر او نماید را حدیث گویند (السیحانی، ۱۴۲۶: ۱۹). در مقاله حاضر معنای بکار گرفته از حدیث، کلام معصومان^(ع) است.
۳. ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و کتب اهل سنت از صحاح شش گانه تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور متواتر نقل شده است (خمینی، بی تا: ۱).
۴. این روایت را ابن ابی عمیر از ابراهیم کرجی از امام صادق^(ع) نقل کرده اند.
۵. تعریض به معنای سخن سربسته، چند پهلو، کنایه آمیز و نیز گوشه زدن است و در کلام معصومان^(ع) برای توریه و تقیه به کار رفته است (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۱).

منابع

- علی ابن ابیطالب (ع) (۱۳۷۹) نهج البلاغه، ترجمه، محمد دشتی، قم، انتشارت مشرقین.
- آقا حسینی، حسین و زهرا آقا زینالی (۱۳۸۶) «مقایسه اجمالی صور خیال در بلاغت فارسی و انگلیسی» گوهر گوینا، شماره یک، بهار، صفحات ۴۹-۷۷.
- السبحانی، جعفر (۱۴۲۶ ق) اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه، قم، موسسه الامام الصادق .
- الصدوق، الشیخ (۱۳۶۱) معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر الغفاری، چاپ اول، موسسه النشر الاسلامی.
- الموسوی، سید علی عباس (۱۳۸۵) «فقه الحدیث از دیدگاه عرفا»، ترجمه، عبدالرضا پورمطلوب، نشریه علوم حدیث، صفحات ۱۱-۱.
- بستانی، محمد (۱۳۷۱) اسلام و هنر، ترجمه حسین صابری، چاپ اول، تهران، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- بهنام، بیوک (۱۳۸۱) «جایگاه ادبی نهج البلاغه: تحلیل زبانشناختی گزیده‌هایی از کلام امام علی(ع)» مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۲، زمستان ۸۱، صفحات ۶۱-۷۹.
- خمینی، روح الله (بی تا) صحیفه انقلاب، وصیت نامه سیاسی- الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رجائی، نجمه (۱۷۸) آشنایی با نقد ادبی معاصر عربی، مشهد، دانشگاه فردوسی، موسسه چاپ و انتشارات، شماره ۲۴۶.
- سیاح، فرهنگ (۱۳۷۱) فرهنگ دانشگاهی ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسلام.
- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن (۱۳۷۶) الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶) صور خیال در شعر فارسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۳) موسیقی شعر، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا و میترا گلچین (۱۳۸۱) «جلوه‌هایی از جادوی مجاورت در مثنوی» ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان و بهار، صفحات ۲۹-۴۲.
- فیاض منش، پرند (۱۳۸۴) «نگاهی دیگر به موسیقی شعر و پیوند آن با موضوع تخیل و احساسات شاعرانه» پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره چهارم، بهار و تابستان، صفحات ۱۶۳-۱۸۶.

قطب، سید (۱۳۵۹) تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن، ترجمه، محمد علی عابدی، تهران، نشر انقلاب.

علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷) نظریه های نقد ادبی معاصر (صورتگرایی و ساختارگرایی: با گذری بر کاربرد این نظریه ها در زبان و ادب فارسی)، تهران، سمت.
عمرانیپور، محمدرضا (۱۳۸۶) "اهمیت عناصر و ویژگیهای ساختاری واژه در گزینش واژگان شعر" گوهر گویا، شماره یک، بهار، صفحات ۱۵۳-۱۸۰.

قطب، سید (۱۳۵۹) تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن، ترجمه محمد علی عابدی، تهران، نشر انقلاب.

کلینی، ابی جعفر محمد (بی تا) اصول کافی، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی، ج ۱، قم، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق) بحارالانوار، ج ۲، بیروت.

مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۴) روش فهم حدیث، تهران، سمت.

نجف زاده بار فروش، محمد باقر (۱۳۷۷) دانش حدیث، تهران، ماجد.

نصیریان، یدالله (۱۳۷۸) علوم بلاغت و اعجاز قرآن، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

ولک، رنه و آوستن وارن (۱۳۸۲) نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

